



# انحلال یا تجدید سازمان؟

## درباره بانک‌های توسعه کشاورزی

### اشاره

مرور گذرای تاریخ تأسیس و شکل‌گیری بانک‌های توسعه کشاورزی، حکایت از آن دارد که این بانک‌ها، برای ارایه تسهیلات و سایر خدمات مالی به آن دسته از مشتریان ایجاد شده‌اند که نزد بانک‌های تجاری فاقد اعتبار می‌باشند. از این رو، با توجه به این که این گروه از بانک‌ها از نظر اقتصادی چندان سودآور نیستند، این پرسش مطرح است که آیا باید این بانک‌ها را منحل کرد یا این که نه، آنها ارزش بازسازی دارند و بنابراین، باید به اصلاح و به بیان دیگر، تجدیدسازمان آنها پرداخت؟

نوشته دربی، برگرفته و به بیان دیگر، چکیده کاری تحقیقی از هانس دیتر زایبل (Hans Dieter Seible) رایزن فنی، مالی و روستایی صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD) می‌باشد، که از جمله مدرسان و استادان برجسته دانشگاه‌های کلن، مونروویا، لاگوس، پرین و اوهایو است.

دکتر امیرهوشنگ امینی

بانک‌های توسعه کشاورزی بیش از آن که فعالیت خود را متوجه سپرده‌گیری یا افتتاح حساب پس‌انداز سازند، به دنبال کسب اعتبار از منابع مالی ملی و بین‌المللی برای پرداخت تسهیلات می‌باشند، رفتاری که نه تنها حس اعتماد به نفس آنها را کاهش می‌دهد، بلکه - به طوری که ملاحظه می‌شود - موجودیت آنها را هم به خطر انداخته است.

از آنجایی که بانک‌های توسعه کشاورزی بایستی هزینه‌های زیاد مدیریت تعداد زیادی وام‌های بسیار کوچک را تحمل کنند، و برای کشاورزانی هم که از شرایط بهتری برخوردارند، وام‌های بزرگتری را فراهم آورند و موسسه‌های اعطاکننده وام‌های کشاورزی نیز از افت و خیزهای فوق‌العاده جریان نقدینگی در دوران بذرافشانی آگاهند، لذا بانک‌های مزبور با مشکلات دوچندان روبرو می‌باشند و هرگونه تأکید بر فراهم‌سازی وام - آنها هم صرفاً برای تلاش‌های کشاورزی، به‌ویژه تولید محصول که برخلاف سایر انواع فعالیت‌های تولیدی درآمدزا، توان مہیای بانک‌های توسعه کشاورزی را در ارایه خدمات گسترده‌تر به مشتریان محدود می‌سازد - استفاده از اینگونه اعتبارات ترجیحی، نه تنها سبب بهبود وضع کشاورزان کوچک و سایر مشتریان شهری نشده، بلکه مانع پیشرفت آنها بوده است. از آنجایی که این بانک‌ها متعلق به دولت‌ها می‌باشند، لذا همواره تحت فشار انواع کاستی‌ها و تصمیمات مالی، از جمله نرخ برابری ارز، نرخ بهره بانکی پول و انواع مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی قرار دارند و لذا نمی‌توانند هزینه‌های خود را پوشش دهند، ضمن اینکه سبب عدم دسترسی فقرا به خدمات مالی شده‌اند. افزون بر این،

همچنان که در پایان دهه ۱۹۹۰ رهبران جهان بر آن شدند تا برای روبروشدن با فقر فراگیر و گرسنگی و برطرف‌سازی یارانه‌ها، حمایت‌های دولتی و سیاست‌های مالی و سایر سیاست‌ها و قوانین دست‌وپاگیر را برطرف سازند، حفظ منابع مالی پایدار را نیز مورد تأکید ویژه قرار دادند. از اینرو، مؤسسه‌های مالی بین‌المللی برای کاهش و در مورد برخی از کشورهای بیشتر فقیر، برای بخشیدن بدهی آنها گام‌های مؤثری را برداشتند، ضمن اینکه کاستی‌های ناشی از تعدیل ساختاری را نیز مورد تأکید قرار دادند و نشان دادند که در هرکجا که روش‌های دیگری وجود داشته باشد، آن دسته از سازمان‌های خدمات مالی دولتی را که بازتاب‌دهنده مسایل کلیدی خود باشند و توان ادامه عملیات و مشارکت‌دادن سهامداران و سودآوری را از خود نشان دهند، مورد حمایت قرار خواهند داد.

### کاهش دستیابی بانک‌ها به مشتریان

پرسشی که اکنون درباره بانک‌های مزبور که نه تنها سودآور نیستند، بلکه به‌گونه‌ای فزاینده به فیل‌های سپید توسعه امور مالی می‌مانند، مطرح می‌شود، آنست که آینده بانک‌های توسعه کشاورزی چگونه است؟

بانک‌های توسعه کشاورزی حدود ۳۰-۲۰ سال پیش از این با هدف گسترش ارایه خدمات و تسهیلات مالی و استفاده از بهره‌های ترجیحی و به بیان دیگر، یارانه‌ای، به آن دسته از مشتریان تأسیس شدند که نزد بانک‌های تجاری از اعتبار برخوردار نیستند. این بانک‌ها به‌گونه‌ای گسترده در مالکیت دولت‌ها قرار دارند و دولت‌ها و آژانس‌های مؤسسه‌های بین‌المللی آنها را اداره می‌کنند.

با توجه به این که بانک‌های توسعه کشاورزی از نظر اقتصادی چندان سودآور نیستند، این پرسش مطرح است که آیا باید این بانک‌ها را منحل کرد و یا این که ارزش بازسازی دارند؟



بانک کشاورزی اندونزی، یکی از عمده‌ترین تأمین‌کنندگان اعتبارات خود برای روستاییان است.

**در جریان بحران مالی و اقتصادی سال ۱۹۹۷، بانک توسعه کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزی تایلند به عنوان تنها و امن‌ترین مأمن اقتصادی - مالی شناخته شدند و مبالغ چشمگیری به سوی آنها جاری شد.**

مشتریان و بالابردن سطح خدمات به آنها نیز می‌باشند، از جمله برای زنان کشاورز و سایر گروه‌های محروم که نیاز به پس‌انداز کردن و تحصیل وام دارند.

### داستان‌های موفقیت‌آمیز از تجدید سازمان

استقلال، مفهومی است که به خودگردانی عملی و آزادبودن از دخالت‌های سیاسی نیاز دارد و مستلزم آنست که چارچوبی حقوقی همراه با مقررات متداول، درونگرا، با نظارت و سرپرستی مؤثر خارجی برقرار باشد. دو بانک از بانک‌های توسعه کشاورزی که به‌طور موفقیت‌آمیزی اقدام به نوسازی و اصلاح کرده‌اند، یکی بانک کشاورزی و تعاونی کشاورزی در تایلند است و دیگری، بانک راکیات در اندونزی.

**(۱) بانک توسعه کشاورزی تایلند:** در اکتبر سال ۱۹۹۸، بانک کشاورزی تایلند با ۴/۸ میلیون مشتری که معرف ۸۶ درصد خانواده‌های مزرعه‌دار در کشور است، برای اولین مرتبه در تاریخ ۳۴ ساله تاسیس خود، تحت نظارت بانک تایلند قرار گرفت و اکنون با مقررات مال‌اندیشانه‌ای مانند مقررات مربوط به کیفیت سرمایه و تدارکات مربوط به ازبین‌رفتن وام مواجه است. بدیهی است که وجود و اعمال قوانین سخت‌تر و خشک‌تر، و اعمال استانداردهای اجرایی ممکن است در کوتاه‌مدت رنج‌آور باشد، اما به بانک کشاورزی تایلند کمک می‌کند تا در درازمدت بتواند در زمینه

به‌گونه‌ای گسترده از نظارت رها می‌باشند. معافیت آنها از اعمال برخی مقررات نیز موجب شده است که تعدادی از آنها در وضعیتی غیرقابل حل قرار گیرند. جالب اینکه این قیدوبندها و فشارها در نهادهایی به کار گرفته شده است که هم تحت برنامه‌ریزی متمرکز اداره می‌شوند و هم در اقتصادهای مبتنی بر بازار آزاد.

چند مورد استثنایی بانک‌های توسعه کشاورزی درخورتجمید - و بیشتر در آسیا - از بی‌توجهی بخش‌های خصوصی و عمومی به قابلیت طبقه فقیر برای برخورداری از خدمات بانکی بی‌اندازه ضربه خورده‌اند، به این معنا که فقرا نیز می‌توانند پس‌انداز داشته باشند، تسهیلات بگیرند، سرمایه‌گذاری کنند و آن را بازپرداخت کنند.

برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی و تولید محصول برای آینده، فقرا باید به خدمات مالی کوچک و بزرگ دسترسی داشته باشند، به‌ویژه تسهیلات پس‌انداز، اعتبار و بیمه. پس تعجب‌آور نیست که بانک‌های توسعه کشاورزی غالباً از تداوم فعالیت برخوردار نیستند و دست‌کم در دو منطقه آفریقا و آمریکای لاتین تعدادی از آنها تعطیل شده‌اند و در میان آن دسته از بانک‌هایی هم که باقی مانده‌اند، برخی از نظر فنی ورشکسته‌اند و به‌گونه‌ای دست‌وپاشکسته ادامه حیات می‌دهند و در نتیجه، فاقد امکانات لازم برای سرمایه‌های جدید می‌باشند، ضمن اینکه فاقد مدیریت لازم برای تأمین نقدینگی موردنیاز

**بانک‌های توسعه  
کشاورزی بیش از  
آن‌که فعالیت خود را  
متوجه سپرده‌گیری  
یا افتتاح حساب  
پس‌انداز کنند،  
به دنبال کسب اعتبار  
از منابع مالی ملی و  
بین‌المللی برای  
پرداخت تسهیلات  
می‌باشند، رفتاری  
که نه تنها حس  
اعتماد به نفس آن‌ها را  
کاهش می‌دهد، بلکه  
موجودیت آن‌ها را هم  
به خطر می‌اندازد.**

**۲) بانک کشاورزی اندونزی:** تجارب بانک کشاورزی اندونزی نیز نشان داد که با برداشتن محدودیت‌های دولتی به چه موضعی می‌توان دست یافت. از سال ۱۹۸۴، بانک کشاورزی اندونزی یکی از عمده‌ترین تأمین‌کنندگان وام‌های خرد بود و با افتتاح حساب‌های کوچک و اعطای وام‌های کوچک به افراد و گروه‌ها در سطح روستاها، مردم را به تحرک درآورد. سپس با فرارسیدن سال ۱۹۹۹، تعداد دریافت‌کنندگان وام در ۳۷۰۰ شعبه روستایی بانک توسعه کشاورزی، به ۲/۵ میلیون نفر و تعداد حساب‌های پس‌انداز به ۲۰ میلیون حساب بالغ گردید.

درواقع، با به‌کارگیری سیاست‌های استوار، از جمله با اجرای برنامه‌های آموزشی فشرده حین خدمت برای کارکنان، بانک کشاورزی دولتی از کارافتاده سابق توانست در پی ایجاد واحد اعتبارات خرد (Microfinance) خود را با موفقیت چشمگیری روبرو سازد.

لازم به یادآوریست که بخشی از این موفقیت، ناشی از تشخیص مقامات بانک مبنی بر ضرورت دستیابی به مناطق روستایی و همچنین مشتریان ثروتمندتر بوده است. از این رو، بانک کشاورزی برای این که بتواند شعبه‌های فرعی خود را به مراکز سودآور پایدار و مراکز اقتصادی تبدیل کند، از لغو محدودیت‌های دولتی بهره بسیار برد. به‌طور نمونه، این بانک به کارمندانش اجازه داد که از سود سهام بهره‌مند گردند و بانک نیز هزینه‌هایش را از طریق نرخ بهره‌های حاشیه‌ای و توسعه مالی ناشی از سودهای مربوطه تأمین کرد. میزان زیان بلندمدت این کار فقط به ۲/۱ درصد بالغ گردید.

حتی در خلال بحران بانکی اخیر در آسیا، واحد اعتبارات خرد بانک کشاورزی به سودآوری خود ادامه داد و در بین کل بانک‌های دولتی، تنها بانک سودآور بشمار می‌رفت، هرچند که در اوج بحران بانکی آسیای جنوب شرقی در ژوئن و اوت ۱۹۹۸، تقاضا برای اعتبار تا اندازه‌ای راکد ماند، که آنهم ناشی از وجود بی‌اعتمادی

حمایت و موجودیت مالی خود از تداوم لازم برخوردار شود. نوسازی و اصلاح بانک کشاورزی تاکنون بیش از ۳۰ سال به طول انجامید. این بانک در بدو کار، بی‌اندازه به حمایت دولت - به‌ویژه از لحاظ سرمایه درگردش - متکی بود و بیشتر اوقات نیز وجوه تخصیصی‌اش بسیار دیر دریافت می‌شد و از این رو، انطباق امکانات در اختیار با نیازهای اعتباری کشاورزان برایش ایجاد مشکل می‌کرد و حاصل آن نیز کسری شدید نقدینگی بود. بدین لحاظ، در اوایل دهه ۱۹۷۰ میزان نرخ استرداد وام از بانک کشاورزی تاکنون تا ۵۱ درصد افت پیدا کرد. سپس در سال ۱۹۷۴ هزینه‌های اداری بیش از هشت درصد بالا رفت، به‌طوری که موجودیت بانک کشاورزی تاکنون به خطر افتاد. آنگاه در سال ۱۹۷۵ بانک تاکنون با هدف بهبود وضعیت کشاورزی از طریق تقویت بانک‌های کشاورزی، سیاستی اعتباری را در این زمینه اتخاذ کرد، با این شرط که بانک‌های تجاری بدو پنج درصد و سپس ۲۰ درصد از پورتفوی خود را به وام‌های کشاورزی تخصیص دهند. براساس این سیاست، بانک‌های تجاری اجازه یافتند که میزان و مبلغ وام‌های اعطایی به بخش کشاورزی را خودشان تعیین کنند و مستقیماً آن را در اختیار کشاورزان قرار دهند یا منابع مزبور را نزد بانک‌های کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزی تاکنون سپرده‌گذاری کنند. البته اقدامات دیگری نیز انجام پذیرفت، از جمله انتقال وام‌های عمده از طریق تعاونی‌های کشاورزی به کشاورزان عضو گروه‌های بدهکاران مشاع. با فرارسیدن سال ۱۹۸۷ بانک کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزی تاکنون در حدود ۱۰۰۰۰۰ گروه تضامنی (Liability Joint) با ۱/۵ میلیون نفر عضو را دربرمی‌گرفتند که در مقایسه با ۸۲۱ تعاونی کشاورزی قابل توجه می‌باشد.

بین سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۶، بانک تاکنون سقف نرخ‌های بهره سپرده‌های ثابت نزد بانک‌های تجاری را لغو کرد و سرانجام تمامی نرخ‌های بهره آزاد اعلام شدند. سپس محدودیت‌ها در مورد افتتاح شعبه توسط بانک‌های کشاورزی برداشته شد و بدین ترتیب، بانک‌های کشاورزی مجاز به اعطای وام برای تولید انواع محصولات در سطحی وسیع شدند. سپس با فرارسیدن سال ۱۹۹۸، بانک‌های کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزی تاکنون تعداد شعبه‌های خود را از ۸۲ شعبه، به ۵۳۵ شعبه افزایش دادند.

از آنجایی که بانک‌های تجاری، پورتفوی پرداخت وام‌های خود را گسترش دادند، لذا حجم سپرده‌ها کاهش یافت. بانک توسعه کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزی تاکنون نیز میزان دستیابی کمک‌ها و تحرک پس‌اندازهای خود را به جایی رساندند که حساب‌های سپرده روستایی به تنها منبع پولی صندوق تبدیل شدند. افزون بر این، در پی بحران مالی و اقتصادی سال ۱۹۹۷ تاکنون، بانک توسعه کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزی تاکنون به‌عنوان تنها و امن‌ترین مامن اقتصادی - مالی در میان رقبای خود در منطقه شناخته شدند و مبالغ چشمگیر و قابل ملاحظه‌ای به سوی آنها جاری شد.





هر مؤسسه مالی که درست اداره شود، پایدار می ماند.

**تجارب بانک  
کشاورزی و  
تعاونی های  
کشاورزی در تایلند  
نشان می دهد که  
تجدیدسازمان و  
اصلاحات بانک های  
توسعه کشاورزی  
امکانپذیر است.**

مؤسسه‌هایی که با اعتمادبه‌نفس و براساس اصول مالکیت خصوصی برپا شده‌اند، دارای آینده‌ای بهتر می‌باشند، زیرا برای اینکه دسترسی‌ها و دستیابی‌های مالی به مشتریان، به حداعلای خود برسد، این مؤسسه‌ها باید از نظر مالی پایدار باشند، باید بتوانند تمامی هزینه‌های خود را بپوشانند، منابع خود را به حرکت درآورند، اموال و بودجه‌های خود را در برابر سایش تورم و وام‌های غیربازپرداخت شده حفظ نمایند و برای توسعه مالی خود سودآوری کنند.

روشنتر اینکه، از نگر سیاسی، تعطیل کردن یا تجدیدسازمان و اصلاح مؤسسه‌های زیانده اصل کار است و لذا ضرورت دارد که امور مربوط به سال مالی و انتظام مالی دوراندیشانه و سیاست‌های مدیرانه آنها مورد توجه جدی قرار گیرند.

در دهه ۱۹۹۰ نیز با ظهور توافقی سیاسی برای ارتقا و ترویج اصلاحات پایدار بانکداری روستایی، از جمله برنامه‌های اعتباری، پس‌انداز و سایر خدمات مالی برای زنان و مردان فقیر، اجتماعات و هماهنگی‌های گونه‌گون بین‌المللی برپا شد و بحران مالی آسیای جنوب شرقی نیز بر نیاز مبرم به دقت بیشتر و رعایت بانک‌های توسعه کشاورزی و مؤسسه‌های مالی کوچک، بسیار پرتوافکن شد.

### هدف‌های تجدیدسازمان

فلسفه تجدید سازمان بانک‌های توسعه کشاورزی آنست که این بانک‌ها به منابع خدمات مالی روستایی تبدیل شوند و بتوانند به‌طور گسترده مشتریان روستایی را جذب کنند در موارد بسیار، اصلاح به‌معنای تجدیدساختار سازمانی،

عمومی در بازار بود، اما در همان وضع نیز بانک کشاورزی ۱/۲۹ میلیون نفر پس‌اندازکننده جدید پیدا کرد که موجبات افزایش حجم پس‌اندازهای واریزشده - اعم از اسمی و حقیقی - را فراهم آوردند.

### پیش شرط‌های تجدیدسازمان

تجارب بانک کشاورزی و تعاونی‌های کشاورزی در تایلند، نشان می‌دهد که تجدیدسازمان و اصلاحات بانک‌های توسعه کشاورزی امکانپذیر است و عملکرد مالی آنها می‌تواند به نحو چشمگیری بهبود یابد، اما فقط در صورتی که پیش‌شرط‌هایی وجود داشته باشند و بتوانند تجدیدسازمان آنها را تسهیل کنند. در این میان، وجود فضای مطلوب بخش مالی، تقاضای مؤثر برای خدمات مالی روستایی و تعهد راستین برای سودآوری و پایداری و تداوم عملیات، از اساسی‌ترین الزامات محسوب می‌شوند.

با وجود مشکلاتی که بانک‌های توسعه کشاورزی در سراسر جهان با آنها روبرو بودند، این بانک‌ها توانستند از طریق شبکه شعبه‌های خود به فراهم‌سازی خدمات مالی ادامه دهند. در منطقه‌هایی که اینگونه بانک‌ها تعطیل شدند، سهم آنها از بازار معمولاً توسط سایر مؤسسه‌های مالی پر نشد. افزون بر این، پس از چندین دهه فعالیت، بانک‌ها توانستند اطلاعات ارزشمند زیادی را پیرامون مشتری‌ها به‌دست آورند، راستینه‌ای که پرداختن به آنها بسیار گران و زمان‌بر است.

به‌طور کلی، هر مؤسسه مالی که امور خود را به‌گونه‌ای سنجیده و درست اداره کند، می‌تواند پایدار بماند. معمولاً

از آنجایی که بانک‌های توسعه کشاورزی متعلق به دولت می‌باشند، لذا همواره تحت فشار انواع کاستی‌ها و تصمیمات مالی، از جمله نرخ برابری ارز، نرخ بهره بانکی پول و انواع مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی قرار دارند و نمی‌توانند هزینه‌های خود را پوشش دهند.

جدید ندارد، زیرا تأسیس سازمان‌های جدید هزینه‌بر است و در نتیجه، برخی اوقات از نظر سیاسی حساس‌ترین موضوع آنست که سازمان‌های موجود مورد اصلاح قرار گیرند. هدف کلی یا چارچوب اصلی برای تجدیدسازمان بانک‌های توسعه کشاورزی عبارتست از تبدیل بانک‌های توسعه کشاورزی به عرضه‌کنندگان مناسب و پایدار خدمات مالی برای کلیه روستاییان، از جمله برای قشر فقیر. این اهداف با برداشتن گام‌های زیر تحقق خواهند یافت:

- اتخاذ استراتژی مناسب برای تجدیدسازمان، مانند خصوصی‌سازی.
- تدوین برنامه‌ای مؤثر.
- استقلال عمل و آزاد شدن از دخالت‌های سیاسی.
- تدوین چارچوبی حقوقی همراه با نظریات دوراندیشانه.
- تجدیدساختار مالی.
- تجدیدساختار تشکیلاتی.
- گسترش منابع انسانی و بازاری و تربیت کارمندان.
- برقراری سیستم مؤثر تحویل (شبکه غیرمتمرکز شعبه‌ها به‌عنوان مراکز سودآوری).
- سپرده‌گیری تقاضا برانگیز، اعطای اعتبار و سایر تولیدات مالی.
- دوام و پایداری مالی.
- نظارت مؤثر داخلی و سرپرستی خارجی.

آموزش کارمندان و توسعه منابع انسانی و همچنین شفاف‌سازی درآمدها و دارایی‌های مالی مربوط به وام‌هایی می‌باشد که ممکن است موسسه‌های دولتی زیانده نیاز به تثبیت آن داشته باشند. اینگونه بنگاه‌های تجاری در میان مشتریان عمده بانک‌های توسعه کشاورزی وجود دارند. در نتیجه، بایستی در کنار موسسه‌های اعتباری تجاری و بانک‌های توسعه کشاورزی، ایجاد تقاضای تولیدات مالی و آماده و مناسب نیاز عملی مشتریان روستایی مورد توجه قرار گیرد، و به‌ویژه فقیرترین قشرها که بیشترین بخش جمعیت کشورهای روبه‌رشد را تشکیل می‌دهند، در مرکز برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرند. به همین دلیل دستیابی مؤثر به این هدف، مستلزم تأسیس شبکه غیرمتمرکز شعب است که بایستی به‌عنوان مراکز سودآور برپا شوند.

جالب آنست که راهی پیدا شود تا کلیه گروه‌گذاران - مؤسسه‌های یاری‌رسان، دولت و انجمن‌های روستایی - برای اصلاحات و نوآفرینی‌ها با یکدیگر همکاری کنند. باید بنیادهایی مانند صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD)، با سابقه بلندمدت خود در کمک به بخش مالی روستایی، به کار خود در این زمینه ادامه دهند تا از آن طریق، موجودیت مؤسسه‌های مالی و کمک‌رسانی به فقرا در راستای ارائه خدمات مالی تقاضا برانگیز بهبود یابد. لازم به ذکر است که نوآفرینی لزوماً نیاز به تأسیس سازمان‌های

### صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی

آماده‌سازی و تدوین راهنمایی برای رفع مشکلات عمده‌ای است که گریبانگیر موسسه‌های مالی روستایی، از جمله بانک‌های توسعه کشاورزی می‌باشد. این راهنمایی‌ها بیشتر بر بهبود روش‌های دستیابی روستاییان به عنوان استفاده‌کنندگان فقیر متمرکز است.

موسسه‌های مالی پایدار که منابع مالی خود را به‌کار می‌اندازند، هزینه‌های خود را از درآمد عملیات خود پوشش می‌دهند و با بهره‌گیری از سودهایی که به‌دست می‌آورند، امور مالی خود را برنامه‌ریزی می‌کنند. ایفاد هم با یک استراتژی مکمل، همکاری و مشارکت مشتریان دینامیک و کمک دولت‌ها و موسسه‌های توسعه و سازمان‌های غیردولتی و همچنین بخش خصوصی، منابع و اطلاعات خود را تامین می‌کند و به حرکت درمی‌آورد.

ایفاد، بخش بزرگی از منابع خود را با شرایط عالی در اختیار کشورهای کم‌درآمد قرار داده است که طی ۴۰ سال با یک دوره بخشودگی ده‌ساله و نرخ بهره ۰/۷۵ درصد قابل بازپرداخت است. ایفاد بین سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۹۹، مبلغ هفت میلیارد دلار آمریکا برای ۵۵۰ پروژه با هزینه ۱۹/۳ میلیارد دلار، در ۱۱۵ کشور پرداخت کرده است. (برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توان به [www.ifad.org](http://www.ifad.org) مراجعه کرد.)

سرنوشت بانک‌های توسعه کشاورزی در کار با صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD) دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا این نهاد، موسسه‌ای مالی - تخصصی و متعلق به سازمان ملل متحد است.

ایفاد در سال ۱۹۷۷ با تنها یک وظیفه یا تعهد مشخص و منحصر به فرد تأسیس شد و آن هم مبارزه با فقر و گرسنگی فراگیر در منطقه‌های فقیرنشین بود. ایفاد براساس همین وظیفه یا تعهد، به‌نحوی سنتی همواره با فراهم‌سازی وام‌های گروهی از بانک‌های توسعه کشاورزی و سایر موسسات مالی روستایی، به کشاورزان کمک کرده است.

در حال حاضر، حمایت قاطع از این بانک، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، ایفاد برای تامین اعتبار از طریق موسسه‌های دیگر، از جمله تعاونی‌های مالی در غرب آفریقا از موسسه‌های محلی و متکی بر سنت‌های بومی بهره‌جویی کرده است. ایفاد افزون بر این، همواره از این ویژگی برخوردار است که ضمن هدایت موسسه‌های بومی رسمی موجود مانند بانک‌های توسعه کشاورزی، به بازسازی آنها کمک می‌کند.

در حال حاضر، ایفاد با صرف یک‌چهارم فعالیت‌های خود که وقف امور مالی روستایی می‌شود، سرگرم